

بازنمایی وام‌واژه‌ها در ترجمه متون ادبی: بررسی موردی رمان *عطر سنبل، عطر کاج*

بدری‌السادات سیدجلالی^۱ آزینا عباسی*^۲

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه الزهراء(س)

۲. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه الزهراء(س)

پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۹

دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۱۰

چکیده

ظهور وام‌واژه‌ها از نخستین تبعات برخورد دو جامعه زبانی است. در سال‌های اخیر، پژوهش‌های فراوانی در باب ماهیت و کاربرد وام‌واژه‌ها در چارچوب مطالعات جامعه‌شناختی زبان صورت گرفته است. گاه استفاده پرتکرار و آگاهانه از وام‌واژه‌ها در متون ادبی بازتاب سبک و نیت نویسنده است که باید در فرایند ترجمه و شیوه انتقال وام‌واژه‌ها به متن ترجمه لحاظ شود. پژوهش حاضر برآن است تا بر مبنای روش تحلیلی - توصیفی، ضمن ذکر اهمیت وام‌واژه‌ها در متون ادبی و نحوه بازنمایی آن‌ها در ترجمه این متون، به بررسی موردی ترجمه رمان آمریکایی *عطر سنبل، عطر کاج* نوشته فیروزه جزایری دوما بپردازد. به این منظور، تعداد ۱۴۸ وام‌واژه از این رمان استخراج شده و شیوه ترجمه آن‌ها به فارسی، با در نظر گرفتن سه متغیر زبان وام‌دهنده، حوزه‌های معنایی وام‌واژه‌ها و راهکارهای ترجمه، مورد مطالعه قرار گرفته است. داده‌های پژوهش نشان می‌دهد دو راهکار معادل‌گزینی و تعریف در اولویت انتخاب‌های مترجم قرار گرفته‌اند و این امر اغلب به کم‌رنگ شدن نقش فرهنگی وام‌واژه‌ها و نادیده گرفتن نیت نویسنده متن مبدأ از انتخاب واژه‌های غیرانگلیسی منجر شده است.

واژه‌های کلیدی: وام‌واژه، حوزه‌های معنایی، زبان وام‌دهنده، راهکارهای ترجمه، *عطر سنبل، عطر کاج*، فیروزه جزایری دوما.

فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی
دوره ۷، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، صص ۴۴-۲۳



۱. مقدمه

یکی از ویژگی‌های اساسی زبان، تغییر و تحول در گذر زمان است. زبان‌ها همواره در طول تاریخ به دلیل عوامل گوناگونی نظیر مهاجرت، تحولات اجتماعی - فرهنگی یا توسعه علم و فناوری دستخوش تغییر شده‌اند. گاه در مقطعی از زمان بنابه مقتضیات جامعه‌شناختی، زبان‌ها با هم برخورد کرده و بر هم اثر گذاشته‌اند. وام‌واژه‌ها^۱ نمونه‌ی اعلای این تغییرات میان‌زبانی‌اند که بر اثر برخورد دو زبان، از زبانی به زبان دیگر منتقل می‌شوند. هاسپلمث^۲ (37 - 36: 2009) وام‌واژه را کلمه‌ای تعریف می‌کند که در یک مقطع تاریخی در نتیجه قرض‌گیری از زبان وام‌دهنده^۳ به زبان وام‌گیرنده^۴ منتقل شده باشد. برای مثال وام‌واژه *buterbrod* (ساندویچ) در زبان روسی از واژه آلمانی *butter - brot* (نان و کره) قرض گرفته شده است. این درحالی است که اصطلاح قرض‌گیری^۵ در بیشتر موارد برای گونه‌های مختلف فرایندهای انتقال یا کپی‌برداری میان‌زبانی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ ممکن است گویشوران بومی عناصر زبان بیگانه را وارد زبان خود کنند یا گویشوران غیر بومی عناصر زبان خود را به یک زبان دیگر اعمال کنند.

مترجم در فرایند ترجمه متون ادبی با چالش‌های فراوانی مواجه می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها از تفاوت‌های فرهنگی میان دو جامعه زبانی مبدأ و مقصد ناشی می‌شود. وام‌واژه‌ها به دلیل هویت جامعه‌شناختی‌شان در بیشتر موارد بار فرهنگی خاص خود را دارند. مسئله‌ای که در اینجا مطرح می‌شود، نحوه رویارویی مترجم با وام‌واژه‌ها در ترجمه اثر ادبی است. به عبارت دیگر، پرسش اصلی پژوهش این است که چنانچه مترجم در ترجمه اثر ادبی با وام‌واژه‌هایی از زبان دوم مواجه شود، با فرض اینکه این واژه‌ها و گاه در مواردی ساختارها به‌عمد توسط مؤلف متن اصلی انتخاب شده باشند، چگونه می‌توان/ باید بیگانگی واژه‌های متن اصلی را به زبان مقصد (در اینجا فارسی) منتقل کرد.

بر این اساس، پژوهش حاضر برآن است تا با در نظر گرفتن سه متغیر زبان وام‌دهنده، حوزه‌های معنایی وام‌واژه‌ها و راهکارهای ترجمه، شیوه‌ی بازنمایی وام‌واژه‌ها در ترجمه فارسی رمان *عطر سنبل، عطر کاج* را تحلیل و بررسی کند. در تعیین حوزه‌های معنایی، از طبقه‌بندی تادمور^۶ و همکاران (۲۰۱۰) که بر مبنای مطالعات رده‌شناختی صورت گرفته، استفاده شده

است. از آنجایی که بررسی وام‌واژه‌ها در حوزه مطالعات ترجمه هیچ پیشینه‌ای ندارد و این موضوع برای نخستین بار مطرح می‌شود، چارچوب نظری معینی برای این پژوهش وجود ندارد که مختص ترجمه وام‌واژه‌ها باشد. به همین علت، نگارندگان این مقاله برای بررسی شیوه بازنمایی وام‌واژه‌ها در ترجمه متون ادبی، از ترکیب دو الگوی برجسته در حوزه مطالعات ترجمه، یعنی شیوه‌های ترجمه از دیدگاه وینی و داربلنه^۷ (۱۹۵۶) و نیز راهکارهای ترجمه عناصر فرهنگی با رویکرد ایویر^۸ (۱۹۸۷)، بهره جستند. با توجه به اینکه نظریه‌های مذکور منحصرأ برای وام‌واژه‌ها نیستند، انتظار می‌رفت که در پیکره پژوهش مواردی خارج از چارچوب‌های قیدشده وجود داشته باشد. همین امر پژوهشگران را بر آن داشت تا با تکیه بر دو نظریه یادشده و نیز داده‌های پژوهش، طبقه‌بندی ده‌گانه‌ای را برای بررسی ترجمه وام‌واژه‌ها ارائه دهند.

۲. برخورد زبان‌ها و ظهور وام‌واژه‌ها در حوزه‌های معنایی مختلف

وقتی دو یا چند زبان در بستر ملزومات جامعه‌شناختی با هم برخورد می‌کنند، بروز واحدهای زبانی قرضی گریزناپذیر است. وام‌گیری یکی از فرآیندهای پربسامد و طبیعی حاصل از برخورد زبان‌هاست که می‌تواند موجب گسترش زبان‌ها شود. به باور ساپیر^۹ (۱۹۷۰: ۱۹۳) وام‌گیری واژه‌ها ساده‌ترین راه ممکن در تأثیر یک زبان بر زبانی دیگر است. از سویی دیگر، رابینز^{۱۰} (۱۹۶۶: ۳۲) معتقد است که در برخورد دو زبان، وام‌گیری اساساً فرآیندی گریزناپذیر است. چرا که هر گاه فرهنگ‌ها به طریقی با هم برخورد کنند، گویشوران برای ارجاع به چیزها، رفتارها، نهادها و ایده‌های فرهنگ بیگانه که واژه یا عبارتی برای آن در زبان بومی خود نداشته باشند، از وام‌گیری بهره می‌برند.

طبق تعریف فرهنگستان زبان و ادب فارسی (۱۳۸۸: ۱۲)، وام‌گیری عبارت است از: «اخذ یک واژه از زبان‌های بیگانه (معمولاً غربی) با همان مفهومی که در زبان مبدأ دارد». هاگن^{۱۱} (۱۹۵۰: ۲۱۲) وام‌گیری زبانی را «بازتولید الگوهای زبانی از یک زبان در زبانی دیگر» می‌داند. راس (1991, cited in Haspelmath, 2008) دو نوع برخورد را در ظهور وام‌واژه‌ها دخیل می‌داند: قرض‌گیری مرسوم^{۱۲} و تداخل مرسوم با انگیزه تغییر^{۱۳}. قرض‌گیری مرسوم زمانی رخ می‌دهد که گویشوران بومی زبانی آگاهانه واژه بیگانه‌ای را به زبان خود وارد کنند؛

درحالی که در تداخل مرسوم با انگیزه تغییر، گویشوران غیربومی ناآگاهانه ویژگی‌های زبان مادری خود را به زبان وام‌گیرنده تحمیل می‌کنند. به این ترتیب، طبقه واژگانی‌ای در زبان اکثریت ایجاد می‌شود که بیانگر هویت فرهنگی گروه اقلیت است؛ مانند واژه‌های بیدیش^{۱۴} که توسط امریکایی‌های یهودی در زبان انگلیسی استفاده می‌شود.

شایان ذکر است که به‌کارگیری وام‌واژه‌ها صرفاً به معنای غیاب واژه در زبان وام‌گیرنده نیست، «گاه استفاده از واژه قرضی برای کسب هویت یا اعتبار اجتماعی است و گاه به سبب آنکه کاربرد واژه بومی مطلوب تلقی نمی‌شود و دشوار به شمار می‌آید. در چنین مواقعی از واژه بیگانه استفاده می‌کنند تا کمتر از احساس ناخوشایند خود رنج ببرند.» (شفاقی، ۱۳۸۷: ۱۳۱)

مایرز - اسکاتن^{۱۵} (2002, cited in Haspelmath, 2008) دو نوع وام‌گیری را معرفی می‌کند: وام‌گیری فرهنگی^{۱۶} و وام‌گیری هسته^{۱۷}. وام‌گیری فرهنگی به یک‌باره در زبان ظاهر می‌شود و متأثر از کاربردهای جمعی عناصر نوظهور در بیشتر موارد فرهنگ‌محور است (مثلاً اسپرسو)؛ اما وام‌گیری هسته به‌عکس نوعی بازتولید و بازسازی واژه‌های موجود در زبان است (برای نمونه استفاده از پرسپکتیو به‌جای چشم‌انداز یا کانسپت به‌جای مفهوم). ظهور وام‌گیری هسته زمانی در زبان وام‌گیرنده صورت می‌گیرد که افراد دو زبانه هنگام رمزگردانی^{۱۸} ساخت‌های آمیخته ایجاد کنند.

گویشوران زبان وام‌گیرنده در مواجهه با واحدهای زبانی بیگانه ممکن است راهکارهای گوناگونی را اتخاذ کنند. هاکت^{۱۹} (۱۹۵۸) پدیده وام‌گیری را به چهار گروه اصلی طبقه‌بندی می‌کند:

۱. وام‌واژه: واژه‌ای است که بدون تغییر معنایی از زبانی وارد زبانی دیگر می‌شود. وام‌واژه‌ها اغلب به سادگی صورت‌های دستوری زبان وام‌گیرنده را می‌پذیرند؛ به عبارت دیگر، افزودن وندهای تصریفی به وام‌واژه‌ها رایج است.
۲. تغییر قرضی^{۲۰}: فرایندی است که در آن واژه‌ای معنی جدیدی را در برمی‌گیرد. تغییر قرضی گاه با استفاده مجدد از واژه‌های منسوخ زبان و گاه با گسترش معنایی^{۲۱} واژه‌های موجود صورت می‌گیرد؛ برای نمونه واژه «Easter» متعلق به عصر باستان بوده که امروزه به معنای جشن «عید پاک» است، یا "heaven" در زبان انگلیسی پیش

از ظهور مسیحیت فقط به معنی «آسمان» بوده اما بعد از آن معنی «بهشت» را نیز دربرگرفته است.

۳. ترجمه قرضی^{۲۲} یا گرت‌برداری^{۲۳}: اگر زبان وام‌گیرنده برای یک واژه یا عبارت بیگانه از معادل لفظ به لفظ آن استفاده می‌کند، اصطلاحاً گرت‌برداری صورت گرفته است؛ برای نمونه خود واژه "Loanword" در زبان انگلیسی حاصل ترجمه قرضی "lehnwort" از زبان آلمانی است.

۴. آمیختگی قرضی^{۲۴}: در مورد واژه‌ای به کار می‌رود که بخشی از آن قرضی و بخشی دیگر بومی است؛ برای نمونه واژه آلمانی "software huis" که از "software house" به معنی «خانه نرم‌افزار» گرفته شده است. آمیختگی قرضی در زبان ژاپنی هنگام ورود واژه‌های انگلیسی بسیار مرسوم است، مانند واژه "ha-burashi" (toothbrush) به معنی «خمیر دندان» (Baker & Prys Jones, 1998: 165).

تادمور و همکاران (۲۰۱۰) در طبقه‌بندی معنایی وام‌واژه‌ها با رویکرد رده‌شناختی به این نتیجه رسیدند که وام‌پذیری^{۲۵} واژه‌های متفاوت یکسان نیست و عمدتاً بسامد چشمگیری از وام‌واژه‌ها واژه‌های فرهنگ‌محور هستند؛ مانند واژه‌هایی که به مسائل دینی، پوشاک، خوراک، خانه، روابط خویشاوندی^{۲۶} و... مربوط می‌شوند.

۳. راهکارهای ترجمه

در این بخش، ابتدا دو الگوی نظری در حوزه مطالعات ترجمه معرفی می‌شود؛ آن‌گاه با تکیه بر مفاهیم ذکرشده، راهکارهای ترجمه برای برگردان وام‌واژه‌ها در متون ادبی، در طبقه‌بندی پیشنهادی ده‌گانه‌ای ارائه می‌گردد.

۳-۱. انواع ترجمه از دیدگاه وینی و داربلنه

از نگاه وینی و داربلنه (۱۹۵۶)، دو نوع ترجمه وجود دارد: مستقیم^{۲۷} و غیرمستقیم^{۲۸}. هریک از این دو نوع به زیرگروه‌هایی قابل تقسیم است.

الف. ترجمه مستقیم: این نوع ترجمه شامل سه شیوه است:

۱. وام‌گیری: وقتی واژه عیناً وارد زبان مقصد می‌شود و اساساً ترجمه‌ای صورت نمی‌گیرد. این روش عمدتاً در مواجهه با واژه و مفاهیم غایب در زبان مقصد اتخاذ می‌شود؛ گاه نیز

مترجم قصد دارد با این روش بیگانه بودن مفهوم یا واژه را در ذهن مخاطب حفظ کند. گاهی انتقال واژه بدون تغییرات صوری و واجی است، و گاهی نیز وام‌گیری با تغییرات واجی همراه می‌شود؛ مانند واژه‌های آباژور، رستوران، تلویزیون یا موزه در فارسی.

۲. گرت‌برداری: گرت‌برداری در واقع ترجمه لفظ‌به‌لفظ (واژگانی و ساختاری) یک کلمه یا عبارت بیگانه است. گرت‌برداری نوعی از وام‌گیری محسوب می‌شود که در آن یک اصطلاح یا عبارت لفظ به لفظ به زبان مقصد ترجمه می‌شود؛ مانند کلمه «آسمان‌خراش» به جای "skyscraper" یا «بلندگو» به جای "loud speaker". میزان استفاده از این روش با توجه به ساخت و ویژگی زبان‌ها متغیر است.

۳. ترجمه لفظی^{۲۹}: رایج‌ترین نوع ترجمه برای زبان‌هایی است که از لحاظ ساختاری و فرهنگی تفاوت فاحشی ندارند.

ب. ترجمه غیرمستقیم: هرگاه ترجمه مستقیم مقصود ترجمه را برآورده نکند یا منجر به از دست رفتن معنا شود، باید راهکارهای غیرمستقیم ترجمه را اتخاذ کرد که به شرح زیر است:

۱. مقوله‌ای^{۳۰}: در این روش، مترجم مقوله‌گردانی انجام می‌دهد، بدون آنکه خدشه‌ای در معنا صورت گیرد؛ مانند تبدیل صفت به اسم یا برعکس. مقوله‌گردانی در ترجمه می‌تواند اجباری یا اختیاری باشد. در مقوله‌گردانی اختیاری، مترجم در میان انتخاب‌های متعددی که دارد یکی را برمی‌گزیند، حال آنکه در مقوله‌گردانی اجباری مجبور به انتخاب تنها گزینه موجود است؛ مثلاً در ترجمه قید "grammatically" به ناچار باید مقوله‌گردانی صورت گیرد چون قید «دستوراً» در زبان فارسی وجود ندارد و مترجم باید معادل «به لحاظ دستوری» را برگزیند.

۲. معادل‌گزینی^{۳۱}: این روش برای توصیف موقعیتی است که با سبک و ساختاری متفاوت در زبان دیگر وجود داشته باشد. این شیوه بیشتر برای ترجمه اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها استفاده می‌شود.

۳. تعدیل^{۳۲}: زمانی است که معنا یا زاویه دید در متن ترجمه تغییر کند. تعدیل یا تغییر دیدگاه به شکل‌های گوناگونی همچون تبدیل‌های علت و معلول، جزء و کل، نفی کردن، معلوم و مجهول کردن و... به کار می‌رود.

۴. اقتباس^{۳۳}: این راهکار عبارت است از تغییر ارجاع فرهنگی در صورت غیاب یکی از موقعیت‌های فرهنگی جامعه مبدأ در فرهنگ مقصد. در این راهکار، جنبه‌های فرهنگی متن

مبدأ در متن ترجمه متناسب با فرهنگ زبان مقصد دستخوش تغییر می‌شود تا نزد مخاطب پذیرفته‌تر باشد؛ نمونه اقتباس، جایگزین کردن یکشنبه با جمعه (به‌عنوان روز تعطیل در ایران) است. در پیکره پژوهش ترجمه واژه "mantra" به «ورد زبان» نوعی از اقتباس در ترجمه است.

۲-۳. ترجمه عناصر فرهنگ‌محور با رویکرد ولادیمیر ایویر

ترجمه عناصر زبانی که حاوی مفاهیم فرهنگی هستند، از بزرگ‌ترین چالش‌هایی است که مترجمان و نظریه‌پردازان حوزه مطالعات ترجمه با آن مواجه بوده و هستند. ایویر (۱۹۸۷) هفت راهکار برای برگردان عناصر فرهنگ‌محور ارائه می‌کند:

۱. ترجمه لفظی: عبارت است از ترجمه واژه یا عبارت زبان مبدأ - به‌عنوان واحد ترجمه^{۳۴} - به واژه یا عبارت زبان مقصد، بدون آنکه به قواعد نحوی زبان مقصد خدشه‌ای وارد شود (Ivir, 1987: 41). برای مثال برگردان "the black market" به «بازار سیاه» یا "cold war" به «جنگ سرد».

۲. افزایش^{۳۵}: این راهکار برای ترجمه عناصری که به صورت تلویحی بار فرهنگی دارند به کار می‌رود. در این روش، یک واژه یا یک ساختار - گاه به‌صورت پانوشت - به متن ترجمه اضافه می‌شود؛ برای مثال ترجمه "croissants" به «نان‌های کرواسان»، "feta" به «پنیر فتا» یا "albino buffalo" به «بوفالوی آلبینوی نادر».

۳. تعریف^{۳۶}: در این راهکار، مترجم مفاهیم فرهنگی‌ای را که اعضای جامعه مبدأ به آن آگاه‌اند، برای مخاطبان ترجمه شفاف‌سازی می‌کند. به بیان دیگر، تعریف عبارت است از کم کردن ناشناخته‌ها و مفاهیم غیرمشترک در دو زبان (Ivir, 1987: 46). برای مثال برگردان "résumé" به «برگه درخواست کار»، "paparazzi" به «نشریات جنجالی» یا "attic" به «اتاق زیر شیروانی».

۴. حذف^{۳۷}: در این روش، عنصر فرهنگ‌محور در زبان مقصد حذف می‌شود (همان، ۴۰). مترجم گاه ناگزیر است نه‌تنها به‌دلیل ماهیت عناصر فرهنگی، بلکه برای برآورده شدن امر ارتباط از این راهکار استفاده کند.



۵. جایگزینی^{۳۸}: در این روش، عنصر فرهنگی زبان مبدأ با عنصر مشابهی در زبان مقصد جایگزین می‌شود. این راهکار ترجمه بیشتر برای زبان‌هایی کاربرد دارد که فرهنگشان تا حدودی با هم همپوشانی دارد و عناصر فرهنگی زبان مبدأ در فرهنگ زبان مقصد نیز حضور دارند (همان، ۴۶). برای مثال ترجمه عبارت "tenuous steps" به «تاتی تاتی»، "hallelujah" به «الحمدالله» یا "ornament" به «زلم‌زیمبو».

۶. خلق واژگانی^{۳۹}: این راهکار شیوه‌های گوناگونی دارد؛ از خلق واژه یا واژه‌سازی^{۴۰} تا بسط معنایی یا تخصیص کاربردهای ویژه^{۴۱} برای کلماتی که قبلاً در زبان مقصد وجود داشته‌اند (همان، ۴۵). واژه‌هایی مانند یارانه، رایانه، چرخ‌بال و پرده‌نگار همگی واژه‌هایی هستند که برای اجتناب از به‌کارگیری وام‌واژه‌های معادلشان در زبان فارسی خلق شده‌اند.

۷. وام‌گیری: یکی از راهکارهای رایج برای ترجمه عناصر فرهنگی است و این اطمینان را ایجاد می‌کند که اطلاعات فرهنگی با دقت کامل به زبان مقصد منتقل شده‌اند (همان، ۳۹). واژه‌هایی مانند هتل، موزه، بوفه، آباژور، شیک، مترو، فلافل، سمینار، کودتا، دسر، لیبراسیون، سماور، شیک، سالسا، بالماسکه و بیگودی همگی واژه‌های وام‌گرفته‌شده از زبان‌های مختلف هستند که در پیکره پژوهش مشاهده شدند.

۴. پیکره پژوهش

داده‌های این پژوهش برگرفته از رمان آمریکایی *عطر سنبل، عطر کاج* نوشته فیروزه جزایری دوما^{۴۲} است. جزایری دوما نویسنده ایرانی است که از کودکی در آمریکا به‌سر می‌برد و داستان‌هایش را به زبان انگلیسی می‌نویسد. این اثر، با نام اصلی *Funny in Farsi, A Memoir of Growing up Iranian in America*، به‌نوعی خودزندگی‌نامه نویسنده محسوب می‌شود و داستان مهاجرت یک خانواده ایرانی به آمریکا را به زبان طنز روایت می‌کند. ترجمه این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۸۴ به‌قلم محمد سلیمانی‌نیا در نشر قصه صورت گرفت. برای این پژوهش، از چاپ هجدهم این ترجمه (۱۳۸۸) استفاده شده است. در راستای هدف پژوهش حاضر، تعداد ۱۴۸ وام‌واژه از این رمان استخراج شد تا راهکارهای اتخاذشده برای برگردان آن‌ها به زبان فارسی بررسی شود.

۵. روش پژوهش

ابتدا ۱۴۸ وام‌واژه از متن مبدأ در یک فهرست استخراج شد. در مرحله بعد، با استفاده از فرهنگ آنلاین آکسفورد، زبان وام‌دهنده این وام‌واژه‌ها مشخص شد. چند نکته در این میان حائز اهمیت است. اولاً این فهرست شامل وام‌واژه‌هایی است که عمرشان حدود چهارصد سال است؛ چون به‌باور هاسپلمت (2008: 58) گاه ممکن است واژه‌ها در گذر زمان چنان در زبان وام‌گیرنده جای گرفته باشند که تشخیص هویت وام‌واژه از واژه‌های دیگر دشوار شود. به پیشنهاد او، در بررسی وام‌واژه‌ها باید عمر واژه‌های قرضی را بین سیصد تا پانصد سال در نظر گرفت. به این ترتیب، اساس این تحقیق وام‌واژه‌هایی است که در بیشتر موارد از قرن هفدهم میلادی وارد زبان انگلیسی شده‌اند. از سوی دیگر در این فهرست از واژه‌های مشترک زبان‌های منبعث از لاتین که در واژگان گویشوران زبان‌ها بومی شده و جایگاه خود را پیدا کرده‌اند صرف‌نظر شده است؛ چون دیگر جنس وام‌واژه ندارند. نکته حائز اهمیت دیگر این است که برخی از وام‌واژه‌های این فهرست با گذر از یک زبان سوم وارد انگلیسی شده‌اند؛ مانند وام‌واژه‌های فرانسوی که ریشه لاتین یا یونانی دارند. در این تحقیق، صرفاً زبان واسط در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا خاستگاه این پژوهش پدیده برخورد زبان‌ها و ظهور وام‌گیری و شکل‌گیری وام‌واژه‌هاست، نه صرفاً ریشه‌شناسی واژه‌ها. شایان ذکر است که در این فهرست از اسامی خاص چشم‌پوشی شده است.

در گام بعدی پژوهش، وام‌واژه‌های فهرست مذکور بر مبنای حوزه‌های معنایی که تادمور و همکاران (۲۰۱۰) ارائه کردند، در چهارده حوزه معنایی طبقه‌بندی و بسامد آن‌ها شمارش شد. در آخرین گام، راهکارهای استفاده‌شده برای ترجمه وام‌واژه‌های متن اصلی به زبان فارسی در ده طبقه معرفی شد و بسامد کاربرد هر یک بر مبنای زبان وام‌دهنده و حوزه معنایی آن مورد مطالعه قرار گرفت.

۶. بررسی یافته‌ها

۶-۱. راهکارهای کلی ترجمه وام‌واژه‌ها

در این پژوهش، با عنایت به دو الگوی کلاسیک در ترجمه، وینه و داربلنه (۱۹۵۸) و ایویر (۱۹۸۷)، راهکارهای عمده به‌کاررفته در برگردان وام‌واژه‌های پیکره پژوهش به شرح زیر



طبقه‌بندی، و برای هر یک مثالی از پیکره پژوهش ارائه شده است. راهکارهای ذیل ترکیبی از دو الگوی مذکور است که توسط نگارندگان این مقاله پیشنهاد شده است. شایان ذکر است سه راهکار آخر در هیچ‌یک از دو الگوی بالا قید نشده و نگارندگان این مقاله با مشاهده آن‌ها در پیکره، این سه راهکار را به فهرست موجود افزودند.

۱-۱-۶. وام‌گیری (وینی و داربلنه / ایویر)

My father, the taste of the free filet mignon still lingering in his mouth, wasn't ready to quit.

پدر که هنوز مزه فیله مینیون مجانی زیر زبانش بود، نمی‌خواست از بازی بیرون برود (ص ۸۷).

Had it not been for Mary's sobbing to me every night, I could have sworn I was at a Zen retreat.

اگر سوزان هر شب زیر گوشم زنجموره نمی‌کرد، می‌توانستم ادعا کنم در حال گذراندن دوره عزلت زن هستم (ص ۴۵).

It was the loveliest café and I can still taste the tarte tatin!

عجب کافه محشری بود. مزه آن تارت تاتن هنوز زیر زبانم است (ص ۴۰).

۱-۲-۶. ترجمه لفظی (وینی و داربلنه / ایویر)

“Pas de problème,” chirped Noëlle. “Nous chercherons un taxi.”

نوئل با همان سرخوشی گفت: «اشکال ندارد. با تاکسی می‌رویم» (ص ۱۳۸).

This would, bien sûr, be most effectively depicted by a judicious scattering of topless models in the background.

البته برای تأثیر بیشتر خوب بود روشنگرانه چندتایی مدل نیمه‌عریان در پس‌زمینه باشد (ص ۱۴۲).

۱-۳-۶. افزایش (ایویر)

“Is the feta made with sheep's milk?”

«این پنیر فتا، با شیر گوسفند درست شده؟» (ص ۱۴۴)

Maybe I was doomed to a really lonely existence where the only pleasure came not from human company but from croissants.

شاید به یک هستی در تنهایی واقعی محکوم بودم که تنها لذتش نه در مصاحبت آدمیان، که در همراهی نان‌های کروسان است (ص ۱۴۱).

[...] preparing us for the aphorism he uses like a maraschino cherry to top off all his unappreciated repair projects,

[...] ما را برای جمله قصارش آماده می‌کرد - جمله‌ای که مثل آلبالوی روی لیکور ماراسکینو برای حسن ختام تمام پروژه‌های تعمیراتی قدرنشناخته‌اش به کار می‌برد (ص ۱۵۶).

۶-۱-۴. تعریف (ایویر)

This time, the frogs were not covering the bottom of my shoe but instead were covered with a light persillade and came with a side of asparagus.

این دفعه قورباغه‌ها کف کفشم را نپوشانده بودند، بلکه خود با لایه‌ای از سس مخصوص پوشانده شده و کنار قطعاتی از مارچوبه لمیده بودند (ص ۶۸).

It was point-less for me to remind my mother that I do not have an attic.

بی‌فایده بود به مادر یادآوری کنم که من اتاق زیر شیروانی ندارم. (ص ۱۵۷)

[...] the young man in the powder blue jumpsuit wearing the hat that resembled an inverted origami boat.

[...] مرد جوانی بود که لباس سر هم آبی روشن پوشیده و کلاهی شبیه یک قایق کاغذی بر عکس روی سرش بود (ص ۱۹).

۶-۱-۵. حذف (ایویر)

“Pass the béarnaise sauce, please.”

«لطفاً آن سس را به من بده» (ص ۱۳۵).

Show me a fancy house with a top- of- the- line gourmet kitchen, and I’ll show you a family that eats out a lot.

یک خانه لوکس با آشپزخانه آخرین مدل، نشان از خانواده‌ای دارد که معمولاً غذایشان را بیرون می‌خورند (ص ۸۳).

Could an Iranian man survive life without basmati rice and lamb stew?

آیا یک مرد ایرانی می‌تواند بدون پلو با گوشت بره زنده بماند؟ (ص ۱۴۵)

۶-۱-۶. معادل‌گزینی (وینی و داربلنه)



Although I enjoyed kvetching with my Jewish friends, I was not convinced that they could thoroughly feel my pain.

از درددل با دوستان یهودی لذت می‌بردم؛ ولی شک داشتم که آن‌ها به اندازه من عذاب بکشند (ص ۱۲۱).

My summer at the movie theater taught me one thing: I had to look for a better- paying job, preferably one that did not involve selling Jujubes.

گذرانیدن تابستان توی سینما یک چیز را به من آموخت: باید دنبال شغل پردرآمدتری می‌گشتم. ترجیحاً چیزی که با فروش هله‌هوله سروکار نداشته باشد (ص ۱۲۹).

As I was leaving, I noticed that the door to the patio was wide open.

وقتی داشتم می‌رفتم، دیدم در حیاط خلوت چهارطاق باز است (ص ۱۲۵).

۶-۱-۷. اقتباس (وینی و داربلنه)

And for that, I say hallelujah, a word that needs no translation

این جور وقت‌ها می‌گویم «الحمدالله». عبارتی که نیاز به ترجمه ندارد (ص ۱۹).

I figured their bad karma would extend to any money that we made from them.

عقیده داشتم بدشگونی آن‌ها به هر پولی که از آن‌ها به‌دست بیاید منتقل می‌شود (ص ۱۶۱). همان‌طور که در ابتدای این بخش ذکر شد، سه مورد آخر این فهرست طی بررسی پیکره توسط نگارندگان به‌دست آمد و به‌عنوان راهکاری متمایز در این فهرست قرار گرفت.

If the local firefighters' union thinks it's a good idea to raise taxes to build more tap dance studios, then so does my father.

اگر اتحادیه محلی آتش‌نشانی‌ها فکر کند خوب است مالیات‌ها بالا برود تا رقاص‌خانه‌های بیشتری بسازند، پدر هم موافق خواهد بود (ص ۱۱۸).

۶-۱-۸. بازگشت^{۴۳}

این راهکار مختص کلماتی است که از زبان فارسی وام گرفته شده‌اند.

I learned never to drink anything on the morning of bazaar day.

یاد گرفتم هیچ‌وقت صبح روزهایی که به بازار می‌رویم چیزی ننوشم (ص ۶۷).

I got it almost right: My mother-in-law asked whether her china had broken.

تقریباً درست حدس زده بودم، مادرشوهرم پرسید چینی‌هایش شکسته یا نه (ص ۱۵۹).

This was a place where one could order tandoori chicken or crab fu-yung, lentil soup or fish ball soup [...]

اینجا جایی بود که کسی می‌توانست مرغ تنوری سفارش دهد یا فو-یونگ خرچنگ، سوپ عدس یا سوپ کوفته ماهی [...] (ص ۱۵۰)

۹-۱-۶. جایگزینی یک وام‌واژه با وام‌واژه‌ای دیگر

نکته جالبی که در بررسی پیکره مشاهده شد، جایگزین کردن یک وام‌واژه با کلمه غیرفارسی (در اینجا فرانسوی) دیگر توسط مترجم بود. این راهکار اگرچه فقط در دو مورد دیده شد، تأییدکننده حضور گسترده وام‌واژه‌های فرانسوی در زبان مقصد است؛ تا جایی که مترجم برای شناساندن این واژه‌های فرهنگی به مخاطب فارسی‌زبان از معادل فرانسوی آن‌ها استفاده می‌کند.

As soon as the parents left, the daughter plunked herself next to me on the posh leather sofa.

وقتی پدر و مادرش سه ساعت بعد رسیدند، دخترشان روی کاناپه خرناس می‌کشید (ص ۱۲۴).

By the time I decided to leave, she looked normal and was telling me how glad she was that her favorite lamp had not broken.

وقتی که خداحافظی می‌کردم، دیگر عادی به نظر می‌رسید و داشت می‌گفت چقدر خوشحال است که آبازور مورد علاقه‌اش نشکسته (ص ۱۵۸).

۱۰-۱-۶. بدون ترجمه

در موارد نادری مترجم عبارت غیرانگلیسی را عیناً با الفبای لاتین در ترجمه استفاده کرده است که این روش در پژوهش حاضر با عنوان «بدون ترجمه» جزو فهرست راهکارها قرار گرفت. تفاوت این روش با شیوه قرض‌گیری، استفاده از الفبای لاتین است؛ زیرا در قرض‌گیری از الفبای فارسی استفاده می‌شود.

“Une californienne!” she exclaimed.

با هیجان فریاد کشید: «Une californienne» (ص ۱۳۷).

I didn't really want to disappoint her by pointing out that I was actually une iranienne, so I just smiled.



نمی خواستم توی ذوقش بزنم و بگویم که در واقع "une iranienne" هستم، بنابراین فقط لبخند زدم (ص ۱۳۷).

She helped us only reluctantly, as when none of our dictionaries had the word *putain*,

فقط گاهی با اکراه راهنمایی می‌کرد؛ مثلاً وقتی هیچ‌کدام از دیکشنری‌های ما لغت *putain* را نداشتند (ص ۱۴۰).

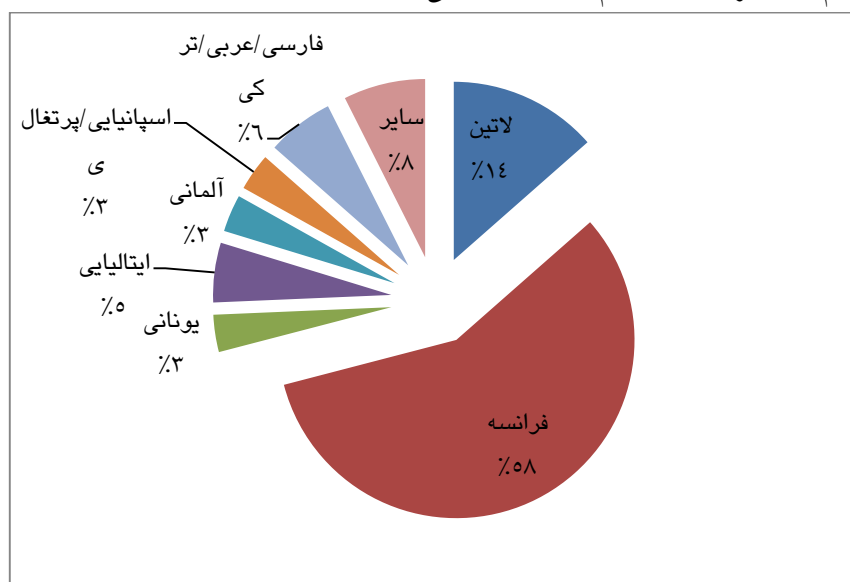
۷. تحلیل داده‌ها

۷-۱. بسامد وام‌واژه‌ها بر مبنای زبان وام‌دهنده

با نگاهی اجمالی به بسامد زبان‌های وام‌دهنده روشن می‌شود که بیش از نیمی (۵۷/۴ درصد) از وام‌واژه‌های پیکره پژوهش از زبان فرانسه وام گرفته شده‌اند. این تفاوت فاحش ممکن است در مسائل کاربردشناختی زبان ریشه داشته باشد که شاید بتوان با نگاه تحلیل گفتمان انتقادی و با مراجعه به پیشینه نویسنده، این موضوع را بررسی کرد. خانم جزایری دوما از ایرانیان مقیم آمریکاست که با فردی فرانسوی ازدواج کرده و به نظر می‌رسد آگاهانه کلمات و اصطلاحات فرانسوی را - و گاهی عمداً به صورت ایتالیک در متن اصلی - به کار برده است. گواه این مطلب در متن کتاب هم به طور شفاف قید شده است. نویسنده در صفحه ۴۷ کتاب می‌گوید: «فرانسوی بودن در آمریکا مثل این است که اجازه ورود به همه‌جا را روی پیشانی‌ات چسبانده باشند. فرانسوا [همسر نویسنده] کافی بود نام آشکار فرانسوی‌اش را بگوید تا مردم او را جالب توجه بدانند».

بعد از زبان فرانسه، با حدود ۴۰ درصد اختلاف، وام‌واژه‌های متعلق به زبان لاتین بیشترین بسامد را در پیکره دارند. این رقم چندان دور از انتظار نیست؛ چون شمار قابل توجهی از وام‌واژه‌های زبان‌های اروپایی ریشه لاتین دارند. چنانچه شرط هاسپلمت برای محدود کردن عمر وام‌واژه‌ها به زیر پانصد سال در این پژوهش اعمال نمی‌شد، به طور قطع وام‌واژه‌های انگلیسی با ریشه لاتین به مراتب بیشتر می‌بود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، سهم زبان‌های آلمانی، ایتالیایی، اسپانیایی / پرتغالی (به سبب قرابت در یک گروه قرار داده شده‌اند) از کل وام-واژه‌های پیکره تقریباً برابر است و درصدی یک‌رقمی را به خود اختصاص داده است. دیگر گروه این فهرست وام‌واژه‌هایی است که از زبان فارسی، عربی و ترکی در متن دیده می‌شوند.

از آنجایی که هدف این پژوهش نحوه بازنمایی بیگانگی وام‌واژه‌ها در برگردان فارسی این اثر بوده است، نگارندگان این سه زبان را در یک گروه قرار داده‌اند؛ زیرا تقریباً همه این واژه‌ها در واژگان مخاطب فارسی بوده و بیگانه تلقی نخواهند شد. آخرین طبقه هم به زبان‌هایی مانند سانسکریت، ییدیش، ژاپنی و غیره تعلق دارد که بسامد هرکدام یک یا نهایتاً دو مورد بوده است؛ به همین منظور، در گروه هشتمی با عنوان «سایر» تعریف شده‌اند. شکل شماره یک بسامد وام‌واژه‌ها بر مبنای زبان وام‌دهنده را نشان می‌دهد.



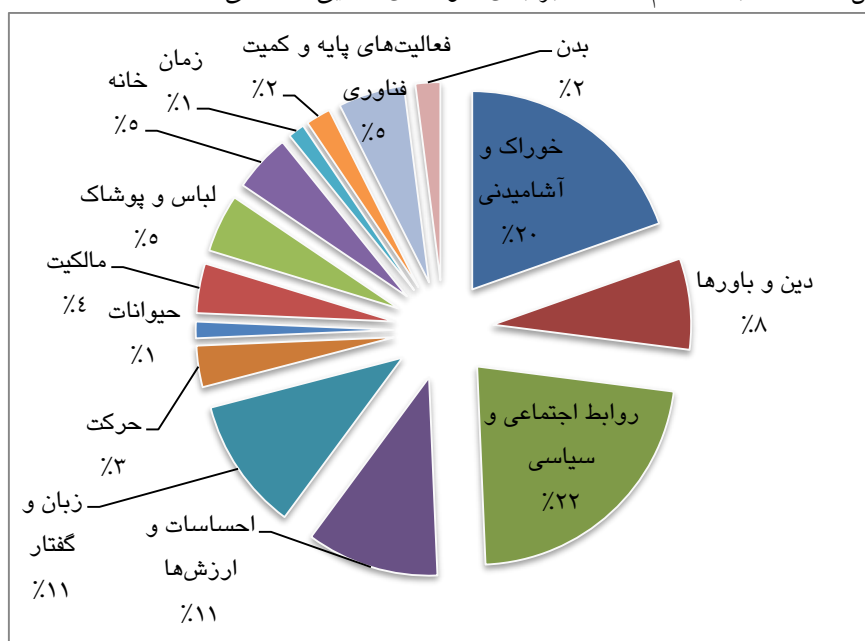
شکل ۱. بسامد وام‌واژه‌ها بر مبنای زبان وام‌دهنده

۲-۷. بسامد وام‌واژه‌ها بر مبنای حوزه‌های معنایی

از آنجا که سؤال اصلی پژوهش حاضر نحوه بازنمایی وام‌واژه‌ها در فرایند ترجمه است، با طبقه‌بندی حوزه‌های معنایی می‌توان شیوه مواجهه مترجم با معانی مختلف در ترجمه وام‌واژه‌ها را با قطعیت بیشتری تحلیل کرد.



نخست اینکه داده‌های پژوهش مؤید گفته تادمور و همکاران (۲۰۱۰) مبنی بر نقش مهم فرهنگ در وام‌گیری واژه‌هاست؛ یعنی مفاهیمی که در صدر جدول حوزه‌های معنایی وامواژه‌ها هستند، به‌مراتب بار فرهنگی بیشتری دارند. در پژوهش حاضر نیز روابط اجتماعی و سیاسی (۲۲/۳ درصد) و خوراک و پوشاک (۱۹/۶ درصد)، به‌عنوان مفاهیم شاخص فرهنگ‌محور، پربسامدترین حوزه‌های معنایی هستند که مؤلف برای بیان آن‌ها از وامواژه بهره جسته است. شکل شماره دو بسامد وامواژه‌ها را بر مبنای حوزه‌های معنایی نشان می‌دهد.



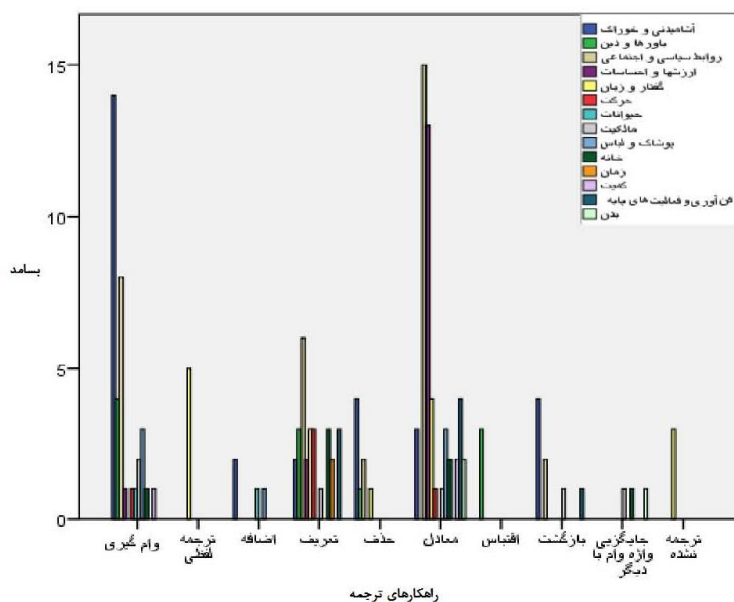
شکل ۲. بسامد وامواژه‌ها بر مبنای حوزه‌های معنایی

۳-۷. راهکارهای اتخاذشده در ترجمه وامواژه‌ها

داده‌های این بخش در دو مرحله تحلیل و بررسی شد. ابتدا درصد اتخاذ هر یک از راهکارها بر مبنای حوزه معنایی مورد مطالعه قرار گرفت؛ آنگاه راهکارهای استفاده‌شده براساس زبان‌وام‌دهنده مقایسه شد.

۳-۷-۱. مقایسه بسامد کاربرد راهکارهای ترجمه بر مبنای حوزه‌های معنایی

مقایسه راهکارهای ترجمه در مواجهه با حوزه‌های معنایی متفاوت در پیکره پژوهش مسئله جالب توجهی را آشکار می‌کند: در ترجمه مفاهیم مربوط به خوراک و نوشیدنی عمدتاً وام‌گیری صورت گرفته است؛ هرچند که تعداد زیادی از این کلمات قبلاً جز وام‌واژه‌های زبان فارسی بوده‌اند. این مسئله در حوزه‌های حیوانات، پوشاک و خانه هم صدق می‌کند. شکل شماره سه بسامد کاربرد راهکارهای ترجمه را بر مبنای حوزه‌های معنایی نشان می‌دهد. نکته بااهمیت در این نمودار درصد بالای کاربرد راهکار معادل‌گزینی برای مفاهیم احساسی و ارزش‌گذاری است؛ حوزه‌ای که وام‌واژه‌های کمتری در فارسی دارد و رویکرد مترجم در فارسی‌سازی عناصر فرهنگی را به‌خوبی می‌نمایاند. همین رویکرد در برگردان حوزه معنایی روابط اجتماعی و سیاسی هم به‌خوبی دیده می‌شود. کلماتی که در راهکار قرض‌گیری جای گرفته‌اند، عمدتاً مشابه بحث خوراک و لباس هستند؛ مانند کلمات کودتا، دموکرات، فاشیست و... که از قبل در فارسی وام‌گیری شده‌اند و رنگ بیگانگی برای مخاطب ندارند. اما سایر وام‌واژه‌هایی که در حوزه روابط اجتماعی و سیاسی قرار می‌گیرند و از قضا در گروه عناصر فرهنگی بیگانه برای مخاطب فارسی هستند، به شیوه معادل‌گزینی و تعریف به متن فارسی منتقل شده‌اند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، راهکار ترجمه لفظی، صرفاً در حوزه زبان و گفتار به‌کار رفته؛ یعنی در مواردی که نویسنده از عبارات و اصطلاحات فرانسوی در متن کتاب استفاده کرده و مترجم آن‌ها را به فارسی برگردانده است؛ هرچند که در موارد اندکی هم شاهد انتقال مستقیم عبارت فرانسه در ترجمه فارسی هستیم.

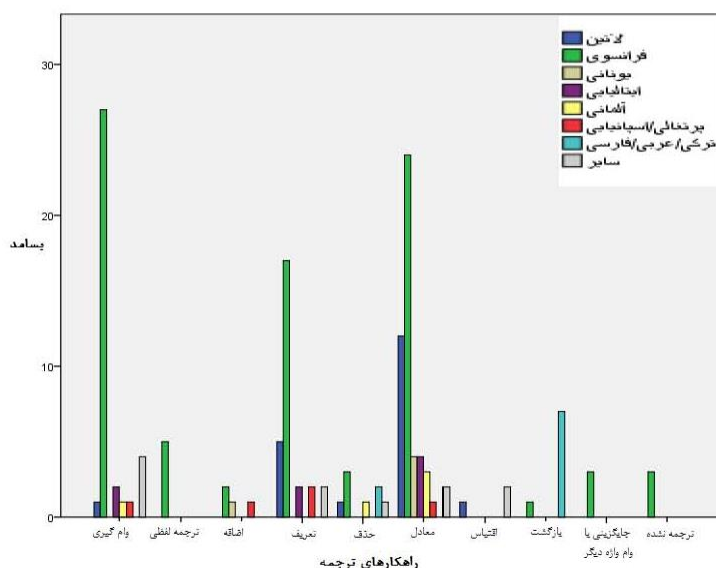




شکل ۳. مقایسه بسامد کاربرد راهکارهای ترجمه بر مبنای حوزه‌های معنایی

۳-۷-۲. مقایسه بسامد کاربرد راهکارهای ترجمه بر مبنای زبان وام‌دهنده

هدف اصلی از این نگاه مقایسه‌ای به زبان‌ها، بررسی رویکرد مترجم در مواجهه با عبارات و کلمات فرانسوی است؛ زیرا بنابر آنچه پیش‌تر نیز گفته شد، وام‌واژه‌های فرانسه، به دلایل کاربردشناختی یادشده، بار اصلی عناصر بیگانه فرهنگی در متن انگلیسی را عهده‌دارند. در اینجا مجدداً باید به مسئله تعدد وام‌واژه‌های فرانسه در زبان فارسی اشاره کرد که در نگاه اول ممکن است پژوهشگر را به خطا بیندازد. اما با نگاه دقیق‌تر و با بررسی وام‌واژه‌های فرانسوی غایب در زبان فارسی، دیده می‌شود که همچنان دو راهکار معادل‌گزینی و تعریف با فاصله زیادی از سایر راهکارها قرار می‌گیرند.



شکل ۴. مقایسه بسامد کاربرد راهکارهای ترجمه بر مبنای زبان وام‌دهنده

۸. نتیجه

یکی از بارزترین نتایج برخوردهای زبانی پدیدۀ فرض‌گیری زبانی و به‌ویژه ظهور وام‌واژه‌هاست. روشن است که وام‌واژه‌های هر زبان در ادبیات مکتوب زبان وام‌گیرنده منعکس می‌شوند. گاه استفاده پرتکرار و آگاهانه از وام‌واژه‌ها در متون ادبی بازتاب سبک و نیت نویسنده است که باید در فرایند ترجمه مورد نظر قرار گیرد. مسئله اصلی پژوهش حاضر مطالعه شیوۀ مترجم در برگردان وام‌واژه‌های متون ادبی و چگونگی بازنمایی آن‌ها در ذهن مخاطبان ترجمه بود. به این منظور، ترجمۀ فارسی رمان *عطر سنبل، عطر کاج* نوشته فیروزه جزایری دوما که دارای تعداد زیادی از واژه‌های غیرانگلیسی است، مورد مطالعه قرار گرفت. در این پژوهش، تعداد ۱۴۸ وام‌واژه از رمان مذکور استخراج شد و راهکارهای مترجم برای برگردان آن‌ها به زبان فارسی مورد بررسی گرفت. مطالعه شیوۀ بازنمایی این وام‌واژه‌ها با در نظر گرفتن سه متغیر زبان وام‌دهنده، حوزه‌های معنایی وام‌واژه‌ها و راهکارهای ترجمه به انجام رسید.

بررسی‌ها نشان داد بیش از نیمی (۵۷/۴ درصد) از وام‌واژه‌های پیکره پژوهش فرانسوی بودند که این امر ریشه در پیشینه و جایگاه فرهنگی - اجتماعی مؤلف داشته و حاکی از انتخاب آگاهانه وی بود؛ پس باید به‌درستی در ترجمۀ فارسی نیز منعکس می‌شد. تحلیل داده‌ها حاکی از آن بود که به‌دلیل وجود وام‌واژه‌های متعدد فرانسوی در زبان فارسی و نیز تمایل مترجم به بومی‌سازی، این امر در موارد زیادی در ترجمۀ فارسی میسر نشد. در بخش دیگر این تحلیل، وام‌واژه‌ها بر مبنای حوزه‌های معنایی طبقه‌بندی و بسامد آن‌ها شمرده شد. داده‌های پژوهش حاضر، در تأیید گفته تادمور و همکاران (۲۰۱۰)، بیشتر دارای بار فرهنگی بودند و



مفاهیمی مانند روابط اجتماعی و سیاسی (۲۲/۳ درصد) و خوراک و پوشاک (۱۹/۶ درصد) در صدر فهرست قرار گرفتند.

در پایان بر مبنای طبقه‌بندی ده‌گانه ارائه‌شده توسط نگارندگان برای راهکارهای ترجمه، برگردان فارسی وام‌واژه‌های پیکره بررسی شد و نتایج به دست آمده نشان داد که دو راهکار «معادل‌گزینی» و «تعریف» در اولویت انتخاب‌های مترجم قرار داشتند و چنین گرایشی در بیشتر موارد به از بین رفتن وجه بیگانه این عناصر برای مخاطبان ترجمه منجر شده است. به طور خلاصه باید گفت در ترجمه متون ادبی که عموماً عناصر فرهنگ‌محور در آن‌ها فراوان یافت می‌شود، بازتاب درست فضای اثر اهمیت زیادی دارد و از آنجا که وام‌واژه‌ها نیز از عوامل ساختاردهی به فضای مورد نظر مؤلف متن ادبی هستند، باید تا حد امکان جنبه بیگانه بودنشان به متن ترجمه منتقل شود.

پی‌نوشت‌ها

1. loanword
2. M. Haspelmath
3. donor language
4. recipient language
5. borrowing
6. U. Tadmor
7. Viney & Darbelent
8. V Ivir
9. E. Sapir
10. R.H. Robins
11. E. Haugen
12. typical borrowing
13. typical shift-induced interference
14. yiddish
15. C Myers-Scotton
16. cultural borrowings
17. core borrowings
18. code-switching
19. C. F. Hockett
20. loanshift
21. semantic extension
22. loan-translation
23. calque

24. loan-blend
25. borrowability
26. kinship terms
27. direct translation
28. oblique translation
29. literal translation
30. transposition
31. equivalence
32. modulation
33. adaptation
34. a translation unit
35. addition
36. definition
37. omission
38. substitution
39. lexical creation
40. word formation
41. specialization
42. F.J. Dumas
43. Returning

منابع

- جزایری دوما، فیروزه (۲۰۰۳). ترجمه (۱۳۸۸). *عطر سنبل، عطر کاج*. ترجمه محمد سلیمانی‌نیا. تهران: نشر قسه.
- شقایق، ویدا. (۱۳۸۷). *مبانی صرف*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- فرهنگستان زبان و ادب فارسی. (۱۳۸۸). *اصول و ضوابط واژه‌گزینی: همراه با شرح و توضیحات*. ویرایش سوم با تجدید نظر. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- Baker, C. & Prys Jones, S. (1998). *Encyclopedia of Bilingualism and Bilingual Education*. Clevedon, Avon, UK: Multilingual Matters. Balke-Aurell, G.
- Dumas, F. (2003). *Funny in Farsi: A Memoir of Growing Up Iranian in America*. Toronto: Random House.
- Haspelmath, M. (2009). "Lexical Borrowing: Concepts and issues" in Haspelmath, M & U Tadmor (Eds.). *Loanwords in the world's languages: A comparative handbook*. Berlin: De Gruyter Mouton. pp. 35 - 54.
- Haspelmath, M. (2008). "Loanword typology: Steps toward a systematic cross-linguistic study of lexical borrowability" in Stolz, T., D. Bakker, & R. Salas Palomo (Eds.). *Aspects of language contact: New theoretical, methodological*



- and empirical findings with special focus on Romancisation processes.*
 Berlin/New York: Mouton de Gruyter. pp. 43 - 62.
- Haugen, E. (1950), "The analysis of linguistic borrowing". *Language* 26 (2). pp. 210-231.
- Hockett, C. F. (1958). *A Course in Modern Linguistics*. New York: MacMillan Company.
- Ivir, V. (1987). "Procedures and strategies for the translation of culture". *Indian Journal of Applied Linguistics*. 13(2). pp. 35 - 46.
- Robins, R.H. (1964). *General Linguistics: An Introductory Survey*. London: Longmans.
- Sapir, E. (1970). *Language: An Introduction to the Study of Speech* (1st ed: 1921). London: Rupert Hart-Davis.
- Tadmor, U ,M Hapelmuth & B. Taylor (2010). "Borrowability and the notion of basic vocabulary". *Diachronica*. 27. Amsterdam: John Benjamins. pp. 43 - 62.
- Vinay, J P & J. Dabnet (1958). "A Methodology for Translation" in Venuti, Lawrence. (ed.) (2000). *The Translation studies reader*. New York: Routledge.
<https://en.oxforddictionaries.com/>